

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۵

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال اول

مقالات

- تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها
 - تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای
 - مطالعه تطبیقی ماهیت و مبنای مسئولیت متصدیان حمل و نقل
 - استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری
 - راهکار تعقیب متهمان به جنایات جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون
 - آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران
 - قلمرو استدلال قیاسی با نقدی بر روش‌شناسی قیاس جزایی در فقه
 - انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران
 - نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب
 - اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها
- موضوع ویژه: جایگاه و کارکرد سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی
- درآمدی بر موضوع ویژه
 - وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
 - تعامل سازمان‌های غیردولتی با سازمان جهانی تجارت
 - تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»
 - مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین تغییر
 - نقش انجمن‌ها در حمایت حقوقی از معلولان با نگاهی به قضیه «پروش»
 - موانع تشکیل و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران
- ## نقد و معرفی
- قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها
 - تحدید حق دادخواهی دانشگاهیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی!؟
 - نگاهی به تازه‌ترین دادنامه پرونده خون‌های آلوده





تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای: گسترش قابل قبول یا گسترش غیر قابل قبول

علیرضا ابراهیم گل*

چکیده: کشف و به‌کارگیری نیروی اتم نوید دهنده دوران جدیدی از زندگی بشر بود، نیروی اعجاب‌انگیزی که مستعد بهره‌برداری برای هم‌ویرانی و وحشت، و هم‌آبادی و آرامش است. طبع جامعه دولتهای دارای حاکمیت مستقل که حفظ خود و تحقق منافع ملی را تنها رسالت خویش می‌دانند و در نتیجه نگرانی از کاربرد این نیرو به عنوان ابزار جنگ و ویرانی، به محدودسازی گسترش کاربردهای نظامی آن در عین پذیرش حق بر کاربردهای صلح‌آمیز از آن، در قالب معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ انجامید، معاهده‌ای که تنها پنج دولت را به عنوان دولت هسته‌ای شناخت و گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به هر شکلی غیر قابل پذیرش اعلام کرد. ماهیت این معاهده و ارتباط آن با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، فقدان یک رکن تفسیری در معاهده و تغییرات محیط هسته‌ای بین‌المللی، تفاسیر و برداشت‌های اجرایی گوناگون و متعارضی از این معاهده را سبب گشته است، تفاسیری که محصول اختلاط حقوق بین‌الملل مبتنی بر نهاد با حقوق بین‌الملل مبتنی بر رابطه است. از اینروست که عده‌ای با فهم حقوق به عنوان یک فرآیند، دیگر نه از منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بلکه از گسترش قابل قبول و گسترش

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

نگارنده بر خود فرض می‌داند که از رهنمودهای جناب استاد دکتر هدایت‌الله فلسفی و جناب آقای دکتر حسین سادات میدانی در نگارش این نوشتار، صمیمانه تشکر کند.

غیرقابل قبول سخن می‌گویند.

کلیدواژه‌ها: عدم گسترش، حقوق بین‌الملل مبتنی بر نهاد، حقوق بین‌الملل مبتنی بر رابطه، گسترش قابل قبول، گسترش غیرقابل قبول، حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، انرژی هسته‌ای

دیباچه

کشف نیروی اعجاب‌انگیز اتم، فصل نوینی را در زندگی بشر گشود، نیرویی که می‌تواند و توانسته در خدمت جنگ و صلح به کار گرفته شود. اما نقش قدرت به عنوان یکی از منطق‌های حاکم بر نظام بین‌المللی و گرایش به افزونی آن در جهت ایجاد توازن قوا، موجب شد برخی دولت‌ها به سمت کسب این نیرو به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی خویش حرکت کنند، قدرتی که خود را در استفاده از این نیرو در سلاح‌های نظامی نشان می‌داد. این حرکت، دسته دیگری از دولت‌ها را برانگیخت تا آنها نیز فعالیت‌هایی را جهت کسب این نیروی نوظهور انجام دهند. نتیجه این کنش و واکنش‌ها به راه افتادن یک مسابقه تسلیحاتی و بیم از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود. اما این تنها یک روی سکه بود. قابلیت‌های متنوع این نیرو در عرصه‌های مختلف صنعتی و اقتصادی و رویای استفاده از این نیرو در جهت توسعه و پیشرفت و رفاه و صلح میان ملت‌ها، طرح اندیشه اتم برای صلح را سبب گشت، متهی ماهیت و تجربه کاربرد این نیرو چنان بود که اذهان جامعه دولت‌ها بیشتر نگران کاربردهای نظامی این نیرو بود و از نیمه دهه ۵۰ میلادی به این سو بود که این نگرانی‌ها ابراز می‌شد. یک دهه تلاش نهایتاً در اول ژانویه ۱۹۶۸ در قالب معاهده‌ای به بار نشست و در ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد.^۱

مقررات اساسی این معاهده (که از این پس معاهده عدم گسترش نیز نامیده می‌شود) در مواد ۱ و ۲ آن آمده است. به موجب ماده ۱ دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند از انتقال هرگونه سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای یا اعطای کنترل مستقیم یا غیرمستقیم این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای به دیگران خودداری کنند و به هیچ نحوی هیچ‌یک از کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را در ساخت یا تحصیل سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات

۱. جهت مطالعه چگونگی شکل‌گیری و انعقاد معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نک: هدایت‌الله فلسفی، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۱۹-۱۸، صص ۷-۱۴. همچنین ابراهیم بیگزاده، «بذیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۷-۱۶، صص ۲۵۳-۲۵۷.

انفجاری هسته‌ای یا پذیرش کنترل چنان سلاح‌ها یا ادواتی مساعدت، تشویق و ترغیب نکنند. به موجب ماده ۲ دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای متعهد می‌شوند هیچگونه سلاح هسته‌ای یا ادوات انفجاری هسته‌ای را دریافت نکنند یا از پذیرش کنترل مستقیم یا غیرمستقیم برچنین سلاح‌ها یا ادواتی خودداری کنند و به دنبال ساخت یا تحصیل چنان سلاح‌ها یا ادواتی نباشند و برای به دست آوردن آنها خواستار هیچگونه کمکی نشوند. به موجب بند ۳ ماده ۹ معاهده، دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای به دولت‌هایی گفته می‌شود که تا پیش از اول ژانویه ۱۹۶۸ به تولید یا انفجار هرگونه سلاح هسته‌ای یا ادوات انفجاری هسته‌ای دیگر مبادرت کرده باشند.^۲ در نتیجه سایر دولت‌های عضو معاهده، دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تلقی می‌شوند.

بدین ترتیب معاهده منع گسترش دولت‌های عضو را به دو دسته دولت‌های دارا^۳ و ندار^۴ تقسیم کرده است. ما به ازای این توافق یعنی پذیرش وضعیت موجود^۵ دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای و اعراض دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای از تحصیل و دریافت و پذیرش کنترل این سلاح‌ها در سایر مقررات معاهده آمده است. دولت‌های اخیر با این وعده، تعهد موضوع ماده ۲ را پذیرفتند که اولاً حق ذاتی^۶ آنان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تحت‌الشعاع سایر مقررات پیمان قرار نخواهد گرفت و دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای متعهد شوند که دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای را در این راه کمک نمایند. ثانیاً دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای پذیرفتند که فوراً مذاکراتی برای توقف مسابقات تسلیحاتی و خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد معاهده‌ای جهت خلع سلاح کامل و تمام عیار را با حسن نیت آغاز کنند. معاهده عدم گسترش، موافقتنامه‌های پادمان^۷، پروتکل الحاقی^۸، قطعنامه‌های شورای حکام آژانس که در راستای نظارت آن نهاد صادر می‌شوند، اقدامات گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و

۲. منظور دولت‌های ایالات متحد آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان، فرانسه و جمهوری خلق چین بود.

3. Have's

4. Have Not's

5. Status quo

6. Inalienable

این واژه را فرهنگ‌های فارسی، انتقال‌ناپذیر و جدانشدنی و لاینفک معنا کرده‌اند و فرهنگ انگلیسی به انگلیسی Advanced Learners آن را چیزی تعریف کرده که از فرد قابل جدا شدن نیست و می‌توان واژه مسلم را برای آن به کار برد. لیکن به نظر می‌رسد از آنجایی که این واژه با ذاتی بودن یک ویژگی مرتبط است ما برای آن واژه «ذاتی» را برگزیده‌ایم زیرا که مباحث و موانعی که در اعمال این حق از سوی برخی کشورها مطرح شده است مسلم بودن آن را مورد خدشه قرار می‌دهد. مضاف بر اینکه صفت ذاتی، اعتبار بیشتری برای آن حق به همراه خواهد داشت.

7. Safeguard Agreement

8. Additional Protocol

تشکیل مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای همگی رژیم را پدید آورده‌اند که ما از آن تحت عنوان «رژیم عدم گسترش» یاد می‌کنیم. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ در کانون این رژیم قرار دارد. این معاهده کامیابی‌ها و ناکامی‌های بسیاری را تجربه کرده است. به عنوان مثال نقش مهمی در موفقیت عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای داشته است اما نتوانسته در رسیدن به یکی از مهم‌ترین اهداف اصلی خویش یعنی تشویق و ارتقاء خلع سلاح هسته‌ای موفق باشد. شاهد این مدعا این است که ایالات متحد اکنون ۱۰۶۰۰، روسیه ۱۸۰۰۰ و بریتانیا ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای دارند و قصد دارند آنها را حفظ کنند. اگر سلاح‌های هسته‌ای فرانسه، چین و برخی دیگر کشورها را نیز به این ارقام اضافه کنیم در جهان امروز مجموعاً بیش از ۲۹۰۰۰ کلاهک هسته‌ای وجود دارد و این رقم کاهش نسبتاً اندکی در رقم ۳۸۰۰۰ کلاهک موجود در ۱۹۶۸ به شمار می‌آید.^۹ این معاهده همچنین نتوانسته است آمال و تمنیات دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو خویش در مورد بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را پاسخ گوید و اینگونه موجب دلزدگی این دسته دولت‌ها شده است. ماهیت این معاهده و ارتباط وثیق آن با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تهدیداتی که ممکن است از ناحیه گسترش سلاح‌های هسته‌ای به صلح و امنیت بین‌المللی وارد شود، ابهامات فراوان و نبود یک رکن تفسیری در معاهده، تفاسیر و در نتیجه تلقی‌های اجرایی گوناگونی از این معاهده را موجب شده است. از همین روست که ممکن است با تخلف و تخطی واحد دو دولت از تعهداتشان به موجب معاهده عدم گسترش و موافقتنامه‌های پادمان، رفتاری کاملاً متفاوت صورت گیرد و بر اثر تکرار رویه‌ها، تدریجاً این تلقی را ایجاد کند که قاعده منع گسترش مندرج در معاهده تدریجاً در حال تحول به قاعده گسترش قابل قبول و گسترش غیرقابل قبول است. نوشتار حاضر به دنبال توضیح مبانی و شواهد این تحول است.

روش ما در این تحقیق، روش فراحقوقی یا روش سیاسی - حقوقی است که در آن حقوق بین‌الملل به عنوان بخشی از یک مجموعه وسیع‌تر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. هدف از تحلیلی که با استفاده از این روش به عمل می‌آید نشان دادن این حقیقت است که چرا حقوق بین‌الملل در ظرف زمان معین موجودیت دارد و دارای اعتبار است. اصل متعارف در این روش این است که حقوق بین‌الملل، فرآورده‌ای غایی و متغیر است که با سایر عناصر مجموعه وسیع‌تری که جامعه بین‌المللی نامیده می‌شود تعاملاتی ظریف‌تر دارد.^{۱۰} در مقاله حاضر، بحث خویش را با اشاره

9. Winters. Raven, Preventing Repeat Offenders: North Korea's Withdrawal and the Need for Revision to the Nuclear Non-proliferation Treaty, 38 Vanderbilt Journal of Transnational Law, November 2005, pp. 1504-1505.

۱۰. هدایت‌الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، نشر فرهنگ نو، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۳۵.

به چالش‌ها و تهدیدهای درونی و بیرونی رژیم عدم گسترش با تأکید بر چالش‌های درونی و عمدتاً ذیل عنوان «نگرش آمریکایی» به رژیم عدم گسترش آغاز می‌کنیم و با ذکر مواضع، دیدگاه‌ها و عملکرد ایالات متحد آمریکا، مفهوم بلوغ هسته‌ای را تشریح و تعارض آن را با هنجارهای بنیادین معاهده منع گسترش بیان می‌کنیم. اما جدا از آن دلایل، تحول قاعده منع گسترش به قاعده گسترش قابل قبول و گسترش غیر قابل قبول با توجه به یک سری مبانی نظری منبعث از رویکردهای نوین به حقوق بین‌الملل نیز قابل تبیین است، کاری که بخش دوم این مقاله در صدد آن است.

چالش‌های رژیم عدم گسترش

گسترش سلاح‌های هسته‌ای فرآیندی است که طی آن یک موجودیت^{۱۱} دولتی یا غیردولتی وسایل و ابزارهای لازم برای دارا شدن، استفاده یا تهدید به استفاده یا اقدام در جهت استفاده از مواد شکافت‌پذیری را که می‌توانند خسارات رادیولوژیک یا جسمی عمده‌ای ایجاد کنند کسب می‌کند.^{۱۲} معاهده منع گسترش همچنان که از نام آن هویداست برای مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای منعقد شد و در این جهت کامیابی‌های بسیاری نیز داشته است. پس از جنگ جهانی دوم و آغاز مذاکرات برای انعقاد معاهده عده‌ای گمان می‌کردند با موج فزاینده گسترش در آن سال‌ها، تا دهه ۱۹۷۰ تعداد کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به بیش از بیست دولت برسد اما امروز در اواخر دهه اول هزاره سوم به یمن رژیم عدم گسترش تعداد آنها به بیش از نه دولت افزایش نیافته است. اما این رژیم از ابعاد مختلفی چه از درون خود عناصر رژیم و چه از بیرون آن در معرض چالش قرار دارد. از عوامل بیرونی چالش برانگیز می‌توان به عدم الحاق برخی کشورها به معاهده عدم گسترش و مسأله تروریسم هسته‌ای اشاره کرد. در مورد عوامل درونی رژیم که می‌توانند چالش‌هایی جدی برای آن تلقی شوند می‌توان به عدم پایبندی^{۱۳} به معاهده، عدم خلع سلاح هسته‌ای دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای (موضوع ماده ۶) مقررات گسترده و پیچیده و سازکارهای دست‌وپاگیر در دستیابی به مواد و فناوری‌های مورد نیاز برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و اعمال تبعیض‌آمیز و گزینشی مقررات معاهده منع گسترش اشاره کرد.

به نظر می‌آید هریک از عوامل درونی فوق به نوعی مسبب و تقویت‌کننده دیگری محسوب می‌شوند زیرا دولت فاقد سلاح هسته‌ای که به امید همکاری دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای

11. Entity

12. Kusumi, Ryoko, Recent Development in the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, ISYP Journal of Science and World Affairs, Vol. 1, No. 2, 2005, p. 87.

13. Non-Compliance

در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و خلع سلاح آن دولت‌ها حاضر به اعراض داوطلبانه از تعقیب برنامه هسته‌ای نظامی شده است، در صورتی که مشاهده کند هیچ‌یک از آن وعده‌ها تحقق نیافته، نه خلع سلاحی صورت گرفته، نه مساعدت لازم برای بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز در اختیار آن قرار گرفته است و نه به دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی او پاسخ گفته شده است دیگر دلیلی برای پایبندی به آن معاهده ندارد. این در حالی است که در ابتدا قرار شد «اتم در خدمت صلح» قرار گیرد و تکنولوژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز گسترش یابد و دولت‌ها با همکاری یکدیگر و تحت نظارت بین‌المللی در این جهت فعالیت کنند.

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب پایان دوره خوش‌بینی موقتی شد که با پایان جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین آغاز شده بود. تغییر محیط امنیتی بین‌المللی و اولویت یافتن مجدد عنصر امنیت در نظم جهانی جدید بر رژیم عدم گسترش نیز تأثیر گذاشت. بیم از دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌ها و ادوات کشتار جمعی هسته‌ای به صورت مستقیم یا به واسطه کمک و همکاری برخی دولت‌ها، کمک شبکه‌های بین‌المللی فعال در امر فروش مواد و تکنولوژی‌های هسته‌ای به دولت‌هایی که برنامه‌های مخفیانه تولید سلاح هسته‌ای را تعقیب می‌کنند و نوع مناسبات دولت‌ها با یکدیگر و تأثیر آن بر اجرای مقررات بین‌المللی به طرح دیدگاه‌های جدید و انجام اقداماتی از سوی برخی دولت‌ها انجامیده که به نظر می‌رسد نتیجه آن چیزی جز کنار رفتن قاعده منع گسترش و تحول آن به قاعده جدیدی تحت عنوان گسترش قابل قبول یا گسترش غیرقابل قبول نیست. از این دیدگاه‌ها و اقدامات جدید عمده‌تاً تحت عنوان «نگرش آمریکایی» به رژیم گسترش یاد می‌شود که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نگرش آمریکایی

جرج بوش رئیس جمهور سابق ایالات متحده طی یک سخنرانی در ۱۱ فوریه ۲۰۰۴ در دانشگاه دفاع ملی ایالات متحده یک دسته اقدامات و روش‌هایی را برای تقویت و ارتقاء رژیم عدم گسترش پیشنهاد کرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«توسعه ابتکار امنیت گسترش»^{۱۴} و «برنامه همکاری کاهش تهدیدها»^{۱۵}.

14. Proliferation Security Initiative (PSI)

ابتکاری بود که در سال ۲۰۰۳ توسط دولت ایالات متحده آغاز شد و هدف از آن جلوگیری از صدور مواد هسته‌ای حساس از طریق بازرسی کشتی‌ها و ممانعت از عبور پروازهای مشکوک است. برای مطالعه در این خصوص، نک: نادر ساعد، «ارزیابی ابتکار امنیت در برابر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (پی.اس.آی) در پرتو موازین حقوق بین‌الملل»،

صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت جهت الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری گسترش سلاح‌های هسته‌ای. ممانعت از تحصیل تجهیزات غنی‌سازی و بازفرآوری توسط دولت‌ها مگر اینکه آنها قبلاً دانش و زیرساخت لازم برای غنی‌سازی و بازفرآوری را دارا باشند. الزام به تصویب پروتکل الحاقی توسط دولت‌هایی که تمایل دارند برای پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خویش کمک دریافت کنند. تضمین دسترسی سایر کشورها به سوخت هسته‌ای به قیمت مناسب توسط اعضای گروه تأمین کنندگان هسته‌ای.^{۱۶}

این پیشنهادها تفکیک غیرمنطقی جدیدی میان دولت‌های غیرهسته‌ای عضو معاهده ایجاد می‌کند، بدین ترتیب که تحصیل تجهیزات غنی‌سازی توسط دولت‌هایی که از این پس قصد دارند برای استفاده‌های صلح‌آمیز چنان تجهیزاتی ساخته یا تحصیل کنند را منع می‌کند اما آنهایی که پیش از این چنان تجهیزات یا دانش فنی مرتبط با آن را کسب کرده باشند می‌توانند از آن استفاده کنند. این در حالی است که معاهده مزبور معامله‌ای میان پنج دولت دارای سلاح‌های هسته‌ای وقت و دیگر کشورهای جهان بود که به موجب آن، وضعیت موجود دولت‌های دسته نخست به رسمیت شناخته شد و دولت‌های دسته دوم هم با امضای این معاهده به عنوان دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای پذیرفتند که به دنبال تحصیل این سلاح‌ها نباشند مشروط بر آنکه اولاً دولت‌های دسته نخست سلاح‌های خود را از بین ببرند و دیگر آنکه به دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مساعدت کنند.^{۱۷}

عده‌ای دیگر از نویسندگان آمریکایی از این فراتر رفته و مسأله گسترش را با ماهیت رژیم‌های سیاسی پیوند می‌زنند. به عنوان مثال چارلز پنا^{۱۸} و تدگلن کارپنتر^{۱۹} معتقدند رژیم‌های مهاجم و غیرقابل پیش‌بینی دارای سلاح هسته‌ای تهدیدی برای همسایگان‌شان تلقی می‌شوند در حالی که اگر یک زرادخانه هسته‌ای تحت کنترل متحدان با ثبات و دموکراتیک ایالات متحد باشد این خطر وجود ندارد. به نظر آنها دولت ایالات متحد باید چتر هسته‌ای خویش را گسترش دهد تا امنیت

راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۷، صص ۸۲-۵۷.

15. Cooperation Threat Reduction Program

برنامه‌ای است که به دنبال تضمین میراث هسته‌ای اتحاد شوروی است و جانشین برنامه‌ای است که در اوایل دهه ۹۰ تحت عنوان برنامه یوگار آغاز شده بود.

16. Nuclear Supplier Group (NSG)

17. Sauer, Tom, A New Nuclear Order: The Need for Introspection in U.S. Non-Proliferation Policy, Strategic Insight, Vol. III, Issue 5, May 2004, p. 2.

18. Charles Pena

19. Tedgalen Carpenter

متحدانش را تضمین کند و از اقدام دولت‌های صلح‌جویی که قصد دارند دولت هسته‌ای شوند تا اینگونه موجب بازدارندگی دولت‌های غیر دوست در منطقه خویش شوند ممانعت نکند.^{۲۰} برخی دیگر از این فراتر رفته و در مورد این مسائل تعهدی را برعهده جامعه بین‌المللی دانسته‌اند. به عنوان مثال آن‌ماری اسلوتر و لی. فینشتین^{۲۱} در مقاله‌ای از مفهوم «تعهد به پیشگیری»^{۲۲} سخن گفته‌اند. به اعتقاد آنها جامعه بین‌المللی نه تنها حق مداخله در امور دولتی که مظنون به فعالیت‌های گسترش است را داراست بلکه از این باب متعهد است. اما چه چیزی گسترش تلقی می‌شود؟ چه زمانی باید مانع دسترسی دولت‌ها به سلاح‌ها و تکنولوژی‌های دارای کاربرد دوگانه شد و چه هنگام توسل به زور برای پاسخ به فعالیت‌های گسترش قابل توجیه است؟ بدون معیارهای عینی، پاسخ به این سؤالات و اینکه کدام دولت می‌تواند به تکنولوژی‌های مربوطه دسترسی داشته باشد و کدام دولت این امکان را ندارد به دلایل متعدد مشکل است. طبق این رویکرد تنها دولت‌های «مسئول» یا «بالغ» باید اجازه داشته باشند که زرادخانه‌های خویش را گسترش دهند یا فعالیت‌های گسترش از سوی آنها به دیده اغماض نگریسته می‌شود.^{۲۳} جدا از اظهارات و دیدگاه‌های فوق در رویه رسمی دولت ایالات متحد نمونه‌های بارزی از اینگونه تمایزات به چشم می‌خورد. در ذیل ضمن اشاره به برخی نمونه‌ها به مقایسه موضع رسمی آن دولت در مورد برنامه هسته‌ای ایران با موضع آن دولت در برابر آن نمونه‌ها می‌پردازیم.

برزیل

پیشینه برنامه فعالیت‌های هسته‌ای برزیل به دهه ۱۹۵۰ و مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای آرژانتین باز می‌گردد. در این راستا این کشور یک برنامه تولید نیروی اتمی، ساخت تأسیسات غنی‌سازی، برنامه

20. Kimbal. Daryl. J, Addressing Nuclear Proliferation Challenge: Cooperation is not Capitulation, Foreign Policy in Focus, www.fpi.org, January 2006.

21. Ann-Marie Slaughter and Lee Feinstein

22. Duty to Prevent

23. Bajema. Natasha and Nikitin. Mary Beth, the Future of International Regimes: Organization and Practices: Assessing Nuclear Maturity, Determining which states should have Access to what Nuclear Technology, 28 Fletcher F. World Affair. 157, Summer 2004, p. 5.

از جمله این دلایل می‌توان به این موارد اشاره کرد. یکی اینکه از علل وجودی هر دولت، تضمین امنیت شهروندانش است و این از حقوق حاکمیتی هر دولت است که از موجودیت خود در قبال تهدیدات خارجی دفاع کند. دولت‌ها نیازهای امنیتی خود را با تمامی شیوه‌های ممکن چه موجه چه غیرموجه پاسخ می‌دهند. ممکن است دولتی مدعی شود برای بازدارندگی تهدید ناشی از دولت‌های دارای قدرت نظامی متعارف برتر یا دارای سلاح‌های کشتار جمعی نسبت به خویش، نیازمند سلاح کشتار جمعی است. تا زمانی که عده‌ای از دولت‌ها دارای چنان سلاح‌هایی هستند و این سلاح‌ها ارزش دارند نمی‌توان مانع دستیابی به آنها شد.

موشکی، معدنکاری اورانیوم و صنایع بازفرآوری و تولید سوخت را آغاز کرد. برزیل از تأسیسات و فعالیت‌های رسمی خویش به عنوان پوششی برای فعالیت‌های نظامی‌اش بهره می‌گرفت.^{۲۴} برزیل در سال ۱۹۹۷ به معاهده عدم گسترش پیوست. در سال ۲۰۰۳ برزیل اعلام کرد قصد دارد در تأسیسات هسته‌ای خویش در ریسند^{۲۵} به غنی‌سازی اورانیوم در سطح صنعتی اقدام کند. در سال ۲۰۰۴ برزیل مانع بازرسی بازرسان آژانس از تأسیسات مزبور شد و دلیل این امر را ضرورت حفاظت از تکنولوژی برتر خویش اعلام کرد.^{۲۶} کالین پاول وزیر خارجه وقت ایالات متحده در دیدار با رئیس‌جمهور برزیل اظهار داشت کشورش هیچگونه نگرانی در مورد برنامه برزیل برای تولید سلاح‌های هسته‌ای ندارد. وی در مورد پاسخ به سؤالی راجع به ممانعت برزیل از بازرسی تأسیسات هسته‌ای خویش و تأثیر آن بر کشورهای دیگر همچون کره شمالی و ایران اظهار می‌کند:

«من فکر نمی‌کنم که مورد برزیل مشابه ایران یا کره شمالی باشد. دو کشور اخیر یا بازرسان را اخراج کرده‌اند یا از همکاری با آنها خودداری کرده‌اند و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان به دنبال تحصیل سلاح‌های هسته‌ای هستند. ایالات متحده معتقد است برزیل هیچ علاقه و منفعت، تمایل، طرح و برنامه یا قصدی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای ندارد.»^{۲۷}

سخنگوی وقت کاخ سفید اسکات مک کلان در مورد تفاوت برنامه هسته‌ای ایران و برزیل

می‌گوید:

«تفاوتی که میان این دو وجود دارد در اعتمادی است که در جامعه بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. ایران نشان داده که قابل اعتماد نیست زیرا فعالیت‌های هسته‌ای خویش را برای مدت دو دهه مخفی نگه داشته است. هر دو کشور مدعی‌اند به دنبال غنی‌سازی اورانیوم برای کاربردهای صلح‌آمیزند اما واشنگتن مظنون است که ایران در حال تعقیب یک برنامه هسته‌ای نظامی است.»^{۲۸}

مارشال ایکین یک کارشناس برزیلی در دانشگاه وندربیلت معتقد است برزیل در حال طی کردن راهی شبیه راه ایران است اما این ایران است که در کانون توجهات قرار گرفته است. برخی نگران فعالیت‌های غنی‌سازی برزیل هستند زیرا سوخت بیشتری نسبت به آنچه که برای تأسیسات هسته‌ای خویش مورد نیاز است تولید می‌کند و این تلقی را ایجاد می‌کند که برزیل در حال

24. <http://www.fas.org/nuke/guide/brazil/nuke/index.htm>, last visited 5/12/2007

25. Resende

26. <http://www.wisconsinproject.org/Countries/brazil/nuke-miles2004.html>

27. Wiseman, Steven, R, Warming to Brazil, Powell says its nuclear program is not a concern, New York Times, 6 October 2004.

28. <http://www.Iranmania.com/news/Articleview/viewprintable/article.asp>, last visited 5/12/2007.

تجدیدنظر در تعهداتش نسبت به عدم گسترش است.^{۲۹}

کره جنوبی

کره جنوبی فعالیت‌های هسته‌ای خویش را از دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد و در سال ۱۹۷۰ اقدام به ساخت اولین راکتور هسته‌ای تولید نیروی خویش کرد. این کشور در سال‌های ۱۹۷۵ و ۲۰۰۰ به ترتیب معاهده عدم گسترش و پروتکل الحاقی را تصویب کرد. در سپتامبر ۲۰۰۴ آژانس گزارش داد که کره جنوبی انجام آزمایش‌هایی را در ارتباط با غنی‌سازی اورانیوم در سال ۲۰۰۰ به آن مرجع اعلام کرده است. محمد البرادعی مدیر کل آژانس، قصور کره در ارائه اطلاعات مربوط به این اقدام در زمان مزبور رأی «نگرانی جدی»^{۳۰} توصیف کرد. وی همچنین به قصور کره در عدم گزارش آژانس راجع به سه مرکز تحقیقات هسته‌ای اشاره کرد. از یکی از این تأسیسات در ۱۹۸۲ برای بازفرآوری پلوتونیوم و از دیگری برای تولید ۳۳۰ پوند اورانیوم استفاده شده بود که مقداری از آن در آزمایش سال ۲۰۰۰ به کار گرفته شده بود. مقامات کره جنوبی اظهار کردند آزمایش مورد بحث «تلاشی بوده که دانشمندان کره‌ای شخصاً به ابتکار خویش انجام داده‌اند» اما دیپلمات‌های مطلع با رد این ادعا معتقدند مقامات کره جنوبی مستمراً مانع بازرسی‌های آژانس شده و تلاش کرده‌اند شواهد فعالیت‌های هسته‌ای خویش را مخفی کنند.^{۳۱} اطلاعات مربوط به آزمایش‌های کره جنوبی هنگامی به مطبوعات راه یافت که مقامات کره جنوبی مصرانه از مدیرکل آژانس درخواست می‌کردند این مسأله را به شورای حکام گزارش ندهد و تهدید کردند با انتخاب او برای سومین بار مخالفت خواهند کرد. این آزمایشات نقض پادمان‌های آژانس و نقض اعلامیه مشترک ۱۹۹۲ فیما بین کره شمالی و کره جنوبی راجع به عاری کردن شبه جزیره کره از سلاح هسته‌ای بود.^{۳۲} بررسی واکنش ایالات متحد به فعالیت‌های کره جنوبی و ایران نشانگر استاندارد دوگانه‌ای در رفتار آن کشور است. ایران در طی آزمایشات خویش حداکثر تا ۱۵ درصد غنی‌سازی انجام داده است اما میزان غنی‌سازی کره جنوبی ۷۷ درصد بوده است و این نشانگر آن است که کره جنوبی به ساخت سلاح‌های هسته‌ای بسیار نزدیک‌تر است اما ایالات متحد نسبت به کره جنوبی موضع ملایم‌تری را

29. Muell. Peter, Brazil follows Iran's Nuclear Path but without the fuss, <http://informationclearinghouse.info/article/12797.htm>, 5/12/2007.

30. Serious Concern

31. News updated: South Korea Nuclear Program, at:

<http://www.cdi.org/friendlyversion/printversion.cfm?documentID=2449>, last visited: 2007/12/4.

32. Pinkston. Daniel. A, South Korea Nuclear Experiments, at: <http://cns.miis.edu/pubs/week/041109.htm>.

اتخاذ کرده است.^{۳۳} آژانس انرژی اتمی و شورای حکام آن نیز که مرجع صالح برای تشخیص انحراف فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها محسوب می‌شود به‌رغم این وضعیت، هیچگاه پرونده این کشور را به شورای امنیت ارجاع نداده است.

مصر

در سال‌های اخیر مقامات مصری اعلام کرده‌اند برنامه‌هایی را برای ساخت چند نیروگاه هسته‌ای در دست اقدام دارند. ایالات متحد اظهار داشته که در این پروژه‌ها به مصر کمک خواهد کرد. مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند مقایسه میان برنامه مصر برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و برنامه هسته‌ای ایران صحیح نیست.^{۳۴} دانا پرنیو از سخنگویان کاخ سفید پس از دیدار رئیس جمهور مصر از ایالات متحد اظهار داشت کشورش هیچ مشکلی با برنامه هسته‌ای مصر ندارد.^{۳۵}

هندوستان

در سال ۲۰۰۶ ایالات متحد برای تشویق و تقویت روابط استراتژیک بهتر با هندوستان و کاهش تأثیر چین، موافقتنامه هسته‌ایی را با هندوستان امضاء کرد که راه همکاری هسته‌ای با آن کشور را گشود و بدین ترتیب کشوری که سال‌ها به معاهده عدم گسترش نیبوسته بود و در مقابل اعمال پادمان‌های جامع آژانس و توقف تولید مواد شکافت‌پذیر برای برنامه نظامی‌اش مقاومت کرده بود از امکانات و فناوری‌های هسته‌ای نوین بهره‌مند شد به گونه‌ای که عده‌ای انعقاد این موافقتنامه را سلاخی رژیم عدم گسترش نامیده‌اند.^{۳۶} به موجب معاهده عدم گسترش ایالات متحد متعهد شده است از کمک به کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای عضو آن معاهده برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا ادوات انفجاری هسته‌ای یا اعطای کنترل آن سلاح‌ها یا چنان ادواتی به آن دولت‌ها خودداری کنند. این تعهد به طریق اولی به طرز شدیدتری نسبت به دولت‌های غیرعضو معاهده اعمال می‌شود. ایالات متحد با انعقاد این معاهده، وضعیت ویژه هندوستان در خارج از چارچوب معاهده عدم گسترش را تقویت کرده و این پیام را ارسال می‌کند که تعقیب و مداومت بر برنامه

33. New updates. *op. cit.*

34. <http://www.turks.us/article.php?story=20071029203422841>.

35. U.S: No objection to Egypt Nuclear program, 29 Octobre 2007 at: http://rawstory.com/news/afp/U.S_No_objection_to_Egypton_Nuclear_10292007.htm.

۳۶. فرزانه سالمی، «سلاخی رژیم منع گسترش»، خبرگزاری آفتاب، سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۸۴، به نشانی

هسته‌ای نهایتاً بی‌پاداش نیست.^{۳۷} اگرچه هندوستان اکنون عملاً یک قدرت هسته‌ای تلقی شده و دارای سلاح‌های هسته‌ای است اما از نظر مقررات معاهده عدم گسترش این کشور همچنان یک دولت فاقد سلاح‌های هسته‌ای (بند ۳ ماده ۹) تلقی می‌شود. ایالات متحد به عنوان یک دولت دارای سلاح‌های هسته‌ای به موجب ماده ۱ موظف است هیچ دولت غیرهسته‌ای دیگری را در تحصیل یا تولید یا پذیرش کنترل این قبیل سلاح‌ها تشویق نکند. حال اگر هندوستان از کمک‌هایی که به موجب این موافقتنامه دریافت می‌کند برای توسعه و پیشبرد اهداف نظامی خویش استفاده کند ایالات متحد صریحاً این ماده را نقض کرده است. این مسأله به‌ویژه هنگامی اهمیت می‌یابد که بدانیم هیچ چیز در این موافقتنامه حاکی از این نیست که هندوستان صریحاً متعهد شده باشد هرگونه و تمامی فعالیت‌های هسته‌ای نظامی خویش را کنار بگذارد.^{۳۸} اقدام ایالات متحد همچنین کاملاً مخالف مواضع شورای امنیت در قطعنامه ۱۱۷۲ مورخ ۶ ژوئن ۱۹۹۸ راجع به فعالیت‌های هسته‌ای هندوستان است. این قطعنامه «تمامی دولت‌ها را به جلوگیری از صدور تجهیزات، مواد یا فناوری‌هایی که می‌تواند به هر شکلی به برنامه‌های هسته‌ای هند و پاکستان کمک کند تشویق می‌کند».

نیکلاس برنز معاون وزیر خارجه ایالات متحد در ۶ آوریل ۲۰۰۶ در پاسخ به این استدلال که این اقدام ایالات متحد بر برنامه هسته‌ای ایران تأثیرگذار است زیرا با برنامه هسته‌ای یک دولت عضو معاهده عدم گسترش (ایران) مخالفت می‌شود اما با برنامه هسته‌ای یک دولت غیرعضو آن معاهده همکاری شده و مورد حمایت قرار می‌گیرد اظهار داشت:

«ما هندوستان رأیک دوست دموکراتیک و اهل مسالمت و متفاوت از ایران و لیبی تلقی می‌کنیم و به این امر افتخار می‌کنیم ... هندوستان، قواعد را رعایت می‌کند اما ایران آنها را نقض می‌کند. اگر این یک استاندارد دوگانه است ما مفتخریم که چنین استاندارد دوگانه‌ای را برای یک «دوست دموکراتیک» اتخاذ کرده‌ایم»^{۳۹}

۳۷. نمونه‌ای دیگر در این مورد، کره شمالی است که ایالات متحد قول داده بود در ازای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای نظامی، راکتورهای آب سبک در اختیار این کشور قرار دهد. هرچند بعدها در بسته پیشنهادی سال ۲۰۰۶ کشورهای اروپایی برای حل و فصل موضوعات ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، این کشورها نیز پیشنهاد کردند در صورت تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری از سوی ایران، در ساخت این راکتورها به ایران کمک کنند.

38. Murthy Wable Kesav, "The U.S. India Strategic Nuclear Partnership: A Debilitating Blow to the Non-Proliferation Regime", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 33, No. 2, 2008, p. 730.

39. Oliver Meir, "The U.S.- India Nuclear Deal: The End of Universal Non-Proliferation Effort?", *4 IPG*, 2006, p. 37.

این تمایز خودسرانه میان برنامه هسته‌ای قابل قبول و غیرقابل قبول، تأکید بر قواعد الزام‌آور جهانی برای مقابله با گسترش را با مشکل مواجه می‌سازد و نشان می‌دهد روندی در میان کشورهای غربی در حال شکل‌گیری است که تمایل دارد میان گسترش خوب و گسترش بد، اولی را انتخاب کند.^{۴۰}

بلوغ هسته‌ای

پیشنهاد‌های آقای بوش رئیس‌جمهور سابق ایالات متحد در فوریه ۲۰۰۴ و واکنش‌های متفاوت و معارض مقامات آن کشور به فعالیت‌های هسته‌ای برخی کشورها، موافقتنامه همکاری هسته‌ای میان آن دولت و هندوستان، همگی تلاش‌هایی در جهت تغییر هنجارهای بنیادین رژیم عدم گسترش یعنی رفتار برابر با دولت‌ها و حق بر کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای قلمداد شده و در عوض، رفتار ترجیحی با دولت‌ها را تشویق می‌کند و از اینرو بسیاری از بحث‌های فعلی در مورد پیشگیری از گسترش هسته‌ای پیرامون این موضوع است که چه دولت‌هایی برای دسترسی به فناوری‌های هسته‌ای صلاحیت دارند و چه دولت‌هایی فاقد صلاحیت در این زمینه‌اند و اینگونه مفهومی تحت عنوان «بلوغ هسته‌ای»^{۴۱} مطرح شده است. این مفهوم در نتیجه تفکیک میان کشورها و «مسئول» قلمداد کردن عده‌ای از آنها و اینکه آیا تهدیدی برای ایالات متحد و متحدانش قلمداد می‌شوند یا خیر شکل گرفته است. به عبارت دیگر به جای تأکید بر کنترل‌های جهانی یکسان بر سیاست‌های ممانعت دولت محور^{۴۲} تأکید می‌شود. اما به نظر می‌رسد به دلایل ذیل چنین رویکردی با هنجارهای بنیادین فوق‌الذکر تعارض دارد:

نخست آنکه رژیم عدم گسترش میان دولت‌های خوشنام و دولت‌های مظنون به فعالیت‌های گسترش تمایزی قائل نمی‌شود. اما برخورد متفاوت متأثر از رویکرد فوق که برای بهره‌مندی از مواد و فناوری‌های هسته‌ای عده‌ای را بالغ و دیگران را نابالغ فرض می‌کند با ایجاد این تمایز به مشروعیت کلی رژیم عدم گسترش لطمه وارد می‌کند.^{۴۳} در فقدان استانداردهای عینی، اعمال چنان تمایزاتی به احساس تهدید و منافع یک دولت خاص یا گروهی از دولت‌ها بستگی دارد. معاهده عدم گسترش دو گروه از دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای و دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای را ایجاد کرد. اقدامات هندوستان و پاکستان و اسرائیل و دستیابی آنها به سلاح‌های هسته‌ای

40. Oliver Meir, *op. cit.*, p. 28.

41. Nuclear Maturity

42. State based denial policies

43. Natasha Bajema and Mary Beth Nikitin, *op. cit.*, p. 2.

گروه دیگری از دولت‌ها را تحت عنوان دولت‌های آستانه^{۴۴} ایجاد کرد. چنین تمایزات و رویکردهایی نیز به ایجاد گروه سوم از دولت‌ها در خود معاهده می‌انجامد و آن تفکیک میان دولت‌های غیرهسته‌ای مجاز به بهره‌مندی از فناوری‌ها و مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز^{۴۵} و دولت‌های غیرهسته‌ای غیرمجاز به بهره‌مندی از چنان مواد و فناوری‌هاست. البته تفکیک‌هایی هم با توجه به تقسیم‌بندی نوع فعالیت‌های هسته‌ای صورت گرفته است. به عنوان مثال دولت‌های غربی با تقسیم‌بندی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز حساس و فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز غیرحساس، فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت را در زمره فعالیت‌های نوع نخست قرار داده‌اند زیرا که به راحتی قابل انحراف به سمت فعالیت‌های نظامی هستند و در نتیجه اعلام کرده‌اند لزومی ندارد که همه کشورها چرخه سوخت داشته باشند^{۴۶} و اینگونه دولت‌های غیرهسته‌ای عضو معاهده را به دولت‌های مجاز به دارا بودن چرخه سوخت و غیر آنها تقسیم کرده‌اند.

خود معاهده عدم گسترش پیشتر نابرابری یا تبعیض خود خواسته‌ای^{۴۷} را میان دو دسته از

۴۴. دولت‌های آستانه (Threshold States) برای توصیف کشورهایی به کار می‌رود که دارای ابزارها و توانایی تکنولوژیکی لازم برای تولید سلاح‌های هسته‌ای هستند.

۴۵. فناوری‌ها و موادی که ممکن است به صورت پنهانی و در پوشش عضویت در معاهده در اهداف نظامی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

۴۶. محمدحسن دریایی، «استفاده‌های صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۳۸.

۴۷. شاید استدلال شود کاربرد عبارت «تبعیض» برای مقررات معاهده عدم گسترش صحیح نیست زیرا که خود دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب این معاهده پذیرفته‌اند که از تعقیب تحصیل سلاح‌های هسته‌ای یا پذیرش کنترل چنان سلاح‌هایی خودداری می‌کنند اما واقعیت این است که جدا از ظاهر الفاظ، نابرابری میان دولت‌ها در این معاهده چنان فاحش است که نامی جز تبعیض زیننده آن نیست، البته نظام ملل متحد با این تبعیض‌ها بیگانه نیست و نمونه دیگر در این مورد حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت است. لیکن در هر دو مورد چه در مورد پذیرش وضعیت موجود دولت‌های هسته‌ای و چه در مورد حق وتوی آنها در شورای امنیت، واقعگرایی و مصلحت‌اندیشی دولت‌های غیرهسته‌ای یا سایر دولت‌های عضو سازمان موجب گشت این وضعیت‌های نابرابر را بپذیرند چه در اولی هرچه تعداد دولت‌های کمتری به این سلاح‌ها و تکنولوژی‌های مربوط به آن دست می‌یافتند امنیت آنها بهتر تضمین می‌شد و چه در دومی میان تشکیل سازمانی که برخی اعضا در آن امتیازات بیشتری داشتند تا عدم تشکیل سازمان، اولی را انتخاب کردند اما مسأله این است که تداوم این وضعیت‌ها تا چه زمانی ممکن است. هرچند باید خاطر نشان کرد که دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای یا دولت‌های فاقد حق وتو در سازمان ملل به‌رغم این انتقادات در نتیجه اعمال همین وضعیت‌های تبعیض‌آمیز ادعایی، از ناحیه عضویت در سازمان از مزایای بسیاری منتفع شده‌اند.

دولت‌ها ایجاد کرده بود و اکنون رویکردهای جدید به دنبال ایجاد تبعیضی بر تبعیض خود خواسته قبلی هستند. دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش به سودای بهره‌مندی از کمک دولت‌های هسته‌ای و به وعده خلع سلاح آنها حاضر به اعراض از سلاح‌های هسته‌ای شدند، سودایی که خام بودن آن و وعده‌ای که عدم تحقق آن در سال‌های پس از انعقاد معاهده مشخص شد و اینگونه دلخوشی و امید آنها به بهره‌مندی از مزایای انرژی هسته‌ای در چارچوب نهادها و قواعد موجود به یأس بدل شد. بدین ترتیب از عوضین معامله عدم گسترش تنها اعراض دولت‌های غیر هسته‌ای از تعقیب برنامه ساخت سلاح‌های هسته‌ای تحقق پیدا کرد و عوض دیگر آن آنچنان که باید یا اصلاً محقق نشد. حال مگر انگیزه و مشوقی برای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای برای تداوم پابندی به تعهدات خود باقی مانده است که اکنون عده‌ای به دنبال تفکیک میان خود این دولت‌ها هستند تا تنها عده‌ای از آنها را مجاز به بهره‌مندی از مواد و تکنولوژی‌های هسته‌ای بدانند.

اصل اعمال یکسان قواعد حقوقی نسبت به تابعان آن قواعد از اصول کلی تمامی نظام‌های حقوقی است. این اصل کلی در حقوق معاهدات نیز قابل اعمال است. امروزه رویکردهای فوق به برخورد گزینشی در اجرای هنجارهای معاهده عدم گسترش منجر شده‌اند. به گونه‌ای که تنها بر یک جنبه از معامله عدم گسترش تأکید می‌شود و آن عدم پیگیری سلاح‌های هسته‌ای است. در این رابطه دولت آفریقای جنوبی در کنفرانس بازنگری و تمدید معاهده عدم گسترش در ۱۹۹۵ اظهار داشت که عدم گسترش همچون حقوق بشر است. این حقوق نمی‌تواند برای فقیر و غنی و دوستان و دشمنان ایالات متحد متفاوت باشد. اگر قرار است عدم گسترش در بلندمدت تداوم یابد باید مرکب از هنجارها و قواعدی باشد که بر همگان قابل اعمال است.^{۴۸}

دیگر آنکه رویکرد فوق با حق هر دولت عضو معاهده برای استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز مغایرت دارد. در سال‌های پس از انعقاد معاهده، مکرراً تأکید کشورهای مختلف از جمله کشورهای جهان سوم و در سال‌های اخیر تأکید مقامات کشور خویش بر حق ذاتی (مسلم) ایران بر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را شاهد بوده‌ایم. در این خصوص لازم است که با توجه به کارهای مقدماتی معاهده عدم گسترش مقدماً در خصوص مفهوم حق ذاتی، سابقه طرح آن و رابطه آن با قاعده مبنایی معاهده یعنی عدم گسترش سلاح هسته‌ای مطالبی گفته شود تا مشخص شود آیا اصولاً چنان حق ذاتی وجود دارد تا نقض آن به عنوان نقض اساسی معاهده تلقی شود یا خیر. ماده ۴ معاهده عدم گسترش مقرر می‌کند:

48. John Simpson, "The Nuclear Non-Proliferation: Back to the Future?", *Disarmament Forum*, 2004, No. 1, p. 11.

هیچ‌یک از مواد این معاهده نباید به نحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون هر نوع تبعیض و بر اساس مواد ۱ و ۲ این معاهده خللی وارد کند.

همه اعضای این معاهده متعهد می‌گردند که تبادل هرچه سریعتر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را در جهت مصارف صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضای این معاهده در صورت توانایی باید منفرداً یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز مخصوصاً در قلمرو اعضای که فاقد سلاح هسته‌ای هستند و با توجه کافی به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان، مشارکت کنند.

عبارت «حق ذاتی» مندرج در بند ۱ ماده ۴ پس از چند دهه از عمر معاهده همچنان معمایی برای متخصصان عدم گسترش محسوب می‌شود. سابقه مفهوم حق ذاتی به دوران انعقاد معاهده عدم گسترش باز می‌گردد. اوضاع و احوال مقارن با زمان انعقاد معاهده عدم گسترش نشان می‌دهند که همه دولت‌ها خود را محق به دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای و از جمله ساخت سلاح هسته‌ای می‌دانسته‌اند. اما انعقاد موافقتنامه‌ای برای عدم گسترش مستلزم آن بود که دولت‌هایی که تا آن زمان نتوانسته بودند به چنان سلاح‌هایی دست یابند از ادامه این راه منصرف شوند و از حق خویش برای ساخت و تحصیل سلاح‌های هسته‌ای اعراض کنند. اما این اعراض یک جانبه بدون توجه به نگرانی‌های امنیتی در جهان آن روز و بیم از دست دادن مزایای ناشی از کاربردهای صلح‌آمیز ممکن نبود و اینگونه بود که مفهومی تحت عنوان «حق ذاتی» بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ابداع شد. پیش‌نویس‌های اولیه پیشنهادی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی منحصراً به ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای می‌پرداختند و فاقد مقرره‌ای در مورد استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای بودند. نتیجه این عدم تعادل میان تعهدات و حقوق دولت‌های عضو معاهده و نگرانی‌هایی که ایجاد می‌کرد موجب شد مجمع عمومی در قطعنامه‌های ۲۰۲۸ و ۲۱۵۶ خویش به هر دو مسأله خلع سلاح هسته‌ای کامل و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اشاره کند. از اینرو نخستین بار در پیش‌نویس سال ۱۹۶۷ ایالات متحده و اتحاد شوروی به کمیته هجده دولت راجع به خلع سلاح^{۴۹} از حق هر دولت عضو بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای سخن گفته شد. این مفهوم از ماده ۱۷ معاهده تلاتلکو راجع به عاری‌سازی منطقه آمریکای لاتین از سلاح‌های هسته‌ای اقتباس شده بود

۴۹. کنفرانس خلع سلاح ملل متحد در ژنو در آن زمان تحت عنوان «کمیته هجده دولت راجع به خلع سلاح» فعالیت می‌کرد.

و به گفته ویلیام فاستر نماینده ایالات متحد در مذاکرات توسط دولت‌های غیرهسته‌ای پیشنهاد شده بود. نهایتاً پس از بحث‌های بسیار این مفهوم در قالب ماده ۴ معاهده عدم گسترش متبلور شد. اما نکته‌ای که وجود دارد آن است که ماده ۴ استیفای حق ذاتی بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را «مطابق مواد ۱ و ۲» معاهده می‌داند. در مذاکرات مربوط به انعقاد معاهده بسیاری از کشورها نگران تعارض میان این عبارات بودند و لذا تلاش شد مفهوم حق ذاتی روشن شود. مکزیک درک خود از این حق را اینگونه بیان کرد که مقررات معاهده در کل نباید چنین حقی را متأثر سازد. هیأت مکزیکی اظهار داشت که نخستین حق، حق بر توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای است و از همین روست که این ماده سلبی بیان شده است تا هیچ‌یک از مقررات معاهده به گونه‌ای تفسیر نشود که بر این حق ذاتی خدشه وارد کند. نماینده ایالات متحد در مذاکرات اظهار داشت که مشخص است هیچ‌یک از مقررات پیش‌نویس به حق طرفین معاهده برای انجام تحقیق، توسعه، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز مطابق مواد ۲ و ۳ تأثیری نمی‌گذارد. اظهارات فاستر، تکرار همان متن پیش‌نویس ۱۹۶۷ است و به تعارض احتمالی میان «حق ذاتی» و «مطابق مواد ۱ و ۲» نمی‌پردازد. نگرانی دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای آن بود که «حق ذاتی» ممکن است با ماده ۲ محدود شود زیرا که ماده ۲ آنها را از ساخت سلاح‌های هسته‌ای منع می‌کند و برخی فعالیت‌ها قابل انجام نیست. این نگرانی بی‌جهت نبود زیرا ماده ۲ پیش‌نویس سال ۱۹۶۵ اتحاد شوروی نه تنها ساخت سلاح‌های هسته‌ای بلکه آمادگی برای ساخت چنین سلاح‌هایی را منع می‌کرد و اگر چه این واژه، از پیش‌نویس سال ۱۹۶۷ حذف شد اما محدوده «ساخت» همچنان نامشخص بود زیرا این ماده به این مسأله که چه مرحله‌ای از ساخت باید مشمول ممنوعیت مندرج در معاهده شود اشاره نمی‌کند. دولت مکزیک تلاش کرد محدوده واژه «ساخت» را با برشمردن برخی فعالیت‌های هسته‌ای حساس که مشمول ممنوعیت‌های معاهده نیستند، روشن سازد نظیر استحصال ذخایر اورانیوم، غنی‌سازی اورانیوم، استحصال پلوتونیوم از سوخت هسته‌ای، ساخت عناصر سوخت از آب سنگین به هنگامی که این فرآیندها برای اهداف غیرنظامی انجام می‌شوند. ایالات متحد و اتحاد شوروی با درک این نگرانی‌ها سعی کردند آنها را برطرف کنند. به عنوان مثال اتحاد شوروی اظهار داشت ما معتقدیم که معاهده باید دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای را قادر سازد که صنایع اتمی صلح‌آمیز و «کلیه اشکال» استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را به کار بندند. ایالات متحد هم این نگرانی که تفسیر موسع از ماده ۲ بتواند حق این قبیل دولت‌ها به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را متأثر کند رد کرد. اما این اظهارات و مواضع هم نتوانست موجب رفع این نگرانی‌ها شود. وجود ابهامات مذکور در ماده ۲ موجب طرح پیشنهادهای دیگری

شد از جمله اینکه هیأت برزیلی پیشنهاد داد عبارت «مطابق مواد ۱ و ۲» از ماده ۴ حذف شود یا هیأت ایتالیایی پیشنهاد داد که با اضافه کردن جمله‌ای به متن، به یک دسته فعالیت‌هایی که در محدوده این «حق ذاتی» قرار می‌گیرند اشاره شود اما هر دوی این پیشنهادها توسط ایالات متحد و اتحاد شوروی رد شدند.^{۵۰}

در طی مذاکرات برخی از دولت‌ها تلاش کردند که به موازات آن حق ذاتی، در بند ۲ ماده ۴ تعهد دیگری را نیز برای دولت‌های هسته‌ای ایجاد کنند و آن تعهد به کمک و مساعدت آن‌ها به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای در کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای بود. به عنوان مثال مکزیک اظهار داشت آن دسته اعضای معاهده که در چنین وضعیتی قرار دارند مکلفند به تنهایی یا با همکاری دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه بیشتر تولید، صنایع و دیگر کاربردهای انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز به‌ویژه در قلمرو دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای کمک کنند. سوئیس اظهار داشت که از آنجایی که بند ۶ مقدمه معاهده به قصد دولت‌های هسته‌ای برای در اختیار گذاشتن دانش و مزایای انرژی هسته‌ای قابل استفاده برای اهداف غیرنظامی برای تمامی اعضا اشاره می‌کند، این قصد باید در قالب تعهدی حقوقی در متن معاهده نیز درج شود. کانادا و انگلستان با رد چنین پیشنهادهایی اظهار داشتند که واژه «تکلیف»^{۵۱} بسیار موسع است و ممکن است به گونه‌ای تفسیر شود که هرگونه درخواست دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای را شامل شود. ایالات متحد نیز اظهار داشت که ماهیت «تکلیف» بسیار کلی است. این بحث و جدل‌ها موجب شد پیشنهاد درج واژه «تکلیف» در بند ۲ ماده ۴ رد شود. نماینده ایالات متحد سخنرانی قرآبی را بدین مضمون در مورد بند ۲ ماده ۴ انجام داد:

«من در این مجمع از طرف ایالات متحد و با اختیارات کامل از سوی دولت‌م و در مقابل این کمیته معظم مجمع قول می‌دهم که در راستای نص و روح این معاهده، ما دانش و تجربه خویش را که به قیمت گرانی به دست آمده است به صورت «مناسب و عادلانه» در مورد تمامی جنبه‌های کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای با دیگر اعضای معاهده و به‌ویژه دولت‌های غیرهسته‌ای عضو آن تسهیم می‌کنیم. این تنها یک وعده نیست، هنگامی که معاهده لازم‌الاجرا شود به یک تعهد ناشی از معاهده بدل می‌شود و در صورت تأیید از سوی کنگره و رئیس جمهور، بخشی از قانون اساسی ماست.»^{۵۲}

50. Zhang Xinjun, "The Riddle of 'In alienable Right' in Article IV of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons: International ambiguity", *Chinese Journal of International Law*, 2006, Vol. 5, No. 3, pp. 653-659.

51. Duty

52. Zhang Xinjun, *op. cit.*, pp. 660-661.

به موجب قاعده کلی تفسیر مندرج در بند ۱ ماده ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود و در پرتو هدف و موضوع معاهده^{۵۳} تفسیر گردد. بر اساس تفسیری که طبق این بند از مقررات بند ۱ ماده ۴ به عمل می‌آید:

هدف معاهده منع گسترش بر اساس بندهای مقدماتی و متن آن جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و موضوع آن مقرراتی است که برای تحقق این هدف مقرر شده‌اند و حقوق و تکالیفی که در معاهده برای دولت‌های متعاقد وضع شده‌اند. در عین حال در دو بند از بندهای مقدماتی و در ماده ۴ معاهده به موضوع استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای پرداخته شده است. بررسی کارهای مقدماتی معاهده نشان می‌دهد که هر دو موضوع عدم گسترش و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مورد تأکید بوده‌اند. به عنوان مثال در اجلاس افتتاحیه ۱۶ ژانویه ۱۹۶۸ کمیته ۱۸ دولت برای خلع سلاح در ژنو کشورهای برزیل، ایتالیا، نیجریه، رومانی، برمه و ایتویپی نقطه‌نظراتی را به شرح ذیل راجع به پیش‌نویس معاهده اظهار داشتند:

برزیل: به دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای اجازه داده شود برای اهداف صلح‌آمیز و تحت پادمان‌ها بتوانند وسایل انفجاری هسته‌ای داشته باشند و تدابیر خلع سلاح موضوع ماده ۶ تعیین شود. ایتالیا: اصلاحات پیشنهادی در معاهده باید تأمین مواد هسته‌ای برای دولت‌های غیرهسته‌ای را تضمین کند.

نیجریه: اصلاحات پیشنهادی باید تعهدی را ایجاد کند که مبادله اطلاعات برای کاربردهای صلح‌آمیز را تسهیل کند.

رومانی: معاهده باید تعهدات منجزتری را در مورد خلع سلاح به دولت‌های هسته‌ای تحمیل کند. برمه: اصلاحات پیشنهادی باید تعهدات معین و مشخصی را برای دولت‌های هسته‌ای جهت اتخاذ اقدامات ملموس برای خلع سلاح هسته‌ای تعیین کنند.^{۵۴}

در اجلاس ۳۱ مه ۱۹۶۸، دولت‌های ایالات متحد و اتحاد شوروی با توجه به نقطه‌نظرات دولت‌ها در اجلاس قبلی، پیش‌نویس جدیدی را ارائه دادند. در این اجلاس نیز عده‌ای از دولت‌ها همچنان نقطه‌نظراتی را در خصوص موضوعات فوق ابراز می‌داشتند. به عنوان مثال برزیل، آرژانتین،

۵۳. در حقوق بین‌الملل، موضوع معاهده همان قواعدی است که طرف‌های معاهده با معاهده وضع کرده‌اند و همان حقوق و تکالیفی است که از این قواعد ناشی می‌شود حال آنکه هدف معاهده آن چیزی است که طرف‌های معاهده مایل به رسیدن به آن هستند. در این خصوص، نک: هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، ص. ۴۶۴.

54. 1968 Yearbook of the United Nations, pp. 4-6.

غنا، مالزی، پاکستان و آفریقای جنوبی و هندوستان اظهار داشتند:

برزیل: معاهده فاقد تعهدات صریح و آشکاری برای دولت‌های هسته‌ای جهت اتخاذ اقدامات مربوط به خلع سلاح است.

آرژانتین، غنا، مالزی و پاکستان: معافیت فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز دولت‌های هسته‌ای از شرط بازرسی، مغایر اصل تعادل مسؤولیت‌ها و تعهدات متقابل است.

آفریقای جنوبی: پیش‌نویس پیشنهادی به منافع مشروع آن دسته دولت‌های غیرهسته‌ای که سهم اقتصادی عمده‌ای در توسعه تکنولوژی و منابع هسته‌ای خویش دارند توجه نکرده است.

هندوستان: ماده ۴ هیچگونه تعهد الزام‌آور یا تعهد حقوقی ایجابی برعهده دولت‌های هسته‌ای برای کمک به دولت‌های غیرهسته‌ای نمی‌گذارد زیرا که تنها متضمن تعهد به «همکاری» است. این معاهده بین دولت‌ها تبعیض حقوقی ایجاد می‌کند و بخش عمده‌ای از کشورها را در زمینه دانش و فناوری هسته‌ای به تعداد محدودی از کشورهای هسته‌ای وابسته می‌کند.^{۵۵}

لزوم رعایت حسن نیت مندرج در صدر بند ۱ ماده ۳۱ و تقدم آن بر سایر اصول مؤثر در تفسیر، ایجاب می‌کند تفسیری از معاهده به عمل آید که طرف‌های معاهده را به اجرای آن ترغیب کند زیرا غرض اصلی از تفسیر معاهده، یافتن اراده مشترک طرف‌های معاهده است. از اینرو مفسر باید تلاش کند که هم به حاکمیت دولت‌ها احترام بگذارد و هم اصل وفای به عهد را در نظر بگیرد.^{۵۶} در بحث حاضر اصل حسن نیت ایجاب می‌کند در تفسیر این معاهده علاوه بر موضوع عدم گسترش به موضوع استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نیز توجه شود، چه در غیر اینصورت به حاکمیت و اراده برخی دولت‌های عضو آن معاهده توجه نشده و تفسیر حاصله به جای آنکه دولت‌ها را به اجرای معاهده ترغیب کند به گریز از اجرای معاهده وادار می‌کند مگر آنکه موضوع استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در طول موضوع عدم گسترش قلمداد شود که در آن صورت اولویت با عدم گسترش است.

یکی از اصول راهنمای دولت‌ها در مذاکرات معاهده عدم گسترش این بود که معاهده باید متضمن تعادل قابل‌پذیرشی میان مسؤولیت‌ها و تعهدات دولت‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای باشد.^{۵۷} اینکه تنها دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای باید به تعهدات خویش پایبند بمانند در حالی که

55. 1968 *Yearbook of United Nations*, pp. 9-12.

۵۶. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، ص ۴۴۹.

۵۷. قطعه‌نامه شماره ۲۰۲۸ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی.

دولت‌های هسته‌ای به انحای مختلف از انجام تعهدات خویش طفره می‌روند یقیناً برهم زنده این تعادل و توازن و ناقض این اصل است. خلع سلاح هسته‌ای، عدم گسترش و حق بر کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای سه ستون اصلی معاهده عدم گسترش تلقی می‌شوند و آینده معاهده عدم گسترش به پیروی و رعایت هر سه این اهداف بستگی دارد.^{۵۸}

با وجود این حق ذاتی بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در بند ۱ ماده ۴، به مقررات مواد ۱ و ۲ معاهده منوط شده است و به عبارت دیگر حد این حق تا جایی است که با منافع عمومی جامعه بین‌المللی سازگار باشد.^{۵۹} هر چند چنین حق ذاتی و مسلمی نیز که از آن صحبت می‌شود نیز با توجه به کارهای مقدماتی معاهده که در فوق آمد آن ویژگی مطلق و غیر قابل تخطی که کشورهای جهان سوم مدعی آنند را دارا نیست. اما همچنان که دیدیم امروزه همین حق ذاتی مقید در حال مشروط شدن به شروط دیگری به جز آنهایی است که در ماده ۴ آمده است و این تنها با رویکردهای جدید و آشنایی با مبانی آنها قابل توضیح است. توضیح مبانی از اینرو لازم است که در حقوق بین‌الملل، هرگونه تغییر در رویکردها و شیوه‌های اجرای مقررات حقوق بین‌الملل منبعت از یک سری بنیان‌های نظری است. در بحث حاضر نیز تحول قاعده عدم گسترش به گسترش قابل قبول یا گسترش غیرقابل قبول با توجه به رویکردهای نظری جدید به حقوق بین‌الملل قابل توجیه است، رویکردهایی که حقوق را نه مجموعه‌ای از قواعد بلکه یک فرآیند می‌دانند. در ادامه بر آنیم که به اختصار مبانی این رویکردهای جدید را تشریح می‌کنیم و سپس با توجه به شواهدی که از رویه دولت‌ها گفته شد توجیهی برای این تغییر قاعده ارائه دهیم.

۵۸. در این خصوص، نک: قطعنامه ۲۵ آوریل ۲۰۰۷ کمیسیون خلع سلاح تحت عنوان «توصیه‌هایی برای حصول به خلع سلاح عینی و مشخص و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای» A/CN.10/2007/WG/WP.4

۵۹. هدایت‌الله فلسفی، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای ...»، صص ۲۳-۲۲. البته لازم به ذکر است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که مرجع صالح برای احراز صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها و به عبارت دیگر مرجع تشخیص سازگاری آن فعالیت‌ها با منافع عمومی جامعه بین‌المللی از مجرای موافقتنامه‌های پادمان است به موجب ماده (۳) موظف است توجه کند نظارت‌های آن نهاد به سلب حق ذاتی بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای (موضوع ماده ۴) منجر نشود. هرچند در اجلاس بازنگری معاهده عدم گسترش در ۲۰۰۵ تلاش گسترده‌ای از سوی کشورهای اروپایی و ایالات متحد انجام شد تا تفسیری از ماده ۴ ارائه دهند که به موجب آن تأکید ماده ۴ بر حق ذاتی کشورها برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای شامل کشورهایی که معاهده عدم گسترش را نقض کرده‌اند نمی‌شود و اگر آژانس اعلام کند که کشوری تعهداتش به موجب معاهده را نقض کرده است آن کشور دیگر نمی‌تواند از کمک‌ها و مساعدت‌های بین‌المللی استفاده کند. این تلاش‌ها ناموفق بود زیرا که کشورهای جهان سوم با این تفسیر شدیداً مخالف بودند. در این خصوص، نک: محمدحسن دریایی، پیشین، ص ۱۳۸.

حقوق به عنوان قاعده یا حقوق به عنوان فرآیند

یکی از رویکردهای جدید^{۶۱} به حقوق بین‌الملل تلقی حقوق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد^{۶۱} (رویکرد قاعده‌ای^{۶۲}) یا حقوق به عنوان یک فرآیند^{۶۳} (رویکرد سیاسی^{۶۴}) است. رویکرد نخست که حقوق را مجموعه «قواعد» قلمداد می‌کند بر معیار عینی و رسمی منابعی تأکید دارد که مشخص می‌کنند کدامیک از استانداردها، قواعد حقوقی تلقی می‌شوند و کدامیک فاقد این ویژگی‌اند و تنها قاعده‌ای که از آزمون این محک، سربلند بیرون آید الزام‌آور است.^{۶۵} این رویکرد با مفهوم اوستینی^{۶۶} حقوق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد مرتبط است. مبنای این رویکرد، انتقادی است که به دکترین‌های کلاسیک به عنوان دکترین‌هایی «ذهنی» وارد می‌شد زیرا آنها حقوق را با اشاره به عقاید سیاسی یا صرفاً اراده دولت تعیین می‌کردند. این رویکرد تعریف ذیل را از حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهد:

«حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که میان دولت‌های حاکم و دیگر موجودیت‌های دارای شخصیت بین‌المللی اعمال می‌شود.»^{۶۷}

طرفداران این رویکرد دو دلیل برای دیدگاه خویش ارائه می‌دهند. اولاً آنها معتقدند اگر حقوق بین‌الملل چیزی بیش از قواعد تلقی شود و نقش تصمیم‌گیرنده مجاز، چیزی فراتر از اعمال‌کننده اتوماتیک چنان قواعدی تلقی شود، در این صورت حقوق بین‌الملل با دیگر پدیده‌ها همچون قدرت یا عوامل اجتماعی یا انسانی خلط می‌شود. ثانیاً تنها با اصرار بر حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قواعد که به صورت بی‌طرفانه اعمال می‌شوند از تجلیات استدلال حقوقی بین‌المللی برای اهداف سیاسی احتراز می‌شود.^{۶۸}

رویکرد دوم در مقابل معتقد است این تصور که حقوق صرفاً «قواعد» است صحیح نیست زیرا

۶۰. البته لازم به ذکر است که این رویکردها برای خوانندگان فارسی زبان، جدید تلقی می‌شوند و گرنه در کشورهایی که خاستگاه این نظریات هستند مدت‌هاست که مطرحند و در واقع امر مبنای عمل برخی کشورها در عرصه بین‌المللی هستند.

61. Law as a Rule

62. Rule Approach

63. Law as a Process

64. Policy Approach

65. Martti Koskenniemi, "The Politics of International Law", *European Journal of International Law*, Vol. 1, No. 1/2, 1990, p. 10.

66. Austinian Concept

67. Martti Koskenniemi, *From Apology to Utopia, The Structure of International Legal Argument, reissue with new epilogue*, Cambridge University Press, 2005, pp. 189-190.

68. Rosalyn Higgins, *Problem and Process, International Law and How We Use It*, Clarendon Press, 1995, p. 3.

که فرآیندهای اجتماعی تخصصی که واژه «حقوق» به آن اشاره دارد علاوه بر قواعد، عوامل دیگری را نیز شامل می‌شود. قواعد در حقوق نقش آفرینی می‌کنند اما نقش انحصاری ندارند. قائلین به رویکرد دوم معتقدند اگر حقوق بین‌الملل، تنها قواعد بود در آن صورت قادر نبود به دنیای سیاسی در حال تغییر کمک کرده یا بر مشکلات آن غالب آید. «قواعد» تنها تصمیمات قبلی انباشته شده هستند. اتکای صرف به آنها، هنگامی که سیاقی که آن قواعد در آن ایجاد شده‌اند تغییر کرده است - و در واقع هنگامی که محتوای آنها غالباً مبهم و نامشخص است - حقوق بین‌الملل را قادر نمی‌سازد که به حل مشکلات دنیای امروز کمک کند. از نتایج این دیدگاه این است که وظیفه افرادی که قرار است بر مبنای حقوق بین‌الملل اتخاذ تصمیم کنند صرفاً یافتن قواعد و اعمال آنها نیست زیرا تعیین آنچه قاعده ذیربط تلقی می‌شود بخشی از وظیفه تصمیم‌گیرنده است و روند انباشت شده تصمیمات قبلی بدون توجه به سیاق قابل اعمال نیست. هنگامی که اشخاص یا ارگان‌های مجاز در مراجع صالح در چارچوب یک دسته قواعد و رویه‌های پذیرفته شده اتخاذ تصمیم می‌کنند در این صورت آنچه که رخ داده «تصمیم‌سازی قانونی» است، به عبارت دیگر حقوق بین‌الملل فرآیند مستمری از تصمیمات معتبر است.^{۶۹} طبق این دیدگاه حقوق بین‌الملل تنها در صورتی ذیربط است که به گونه‌ای مستحکم بر سیاق اجتماعی سیاست بین‌الملل مبتنی باشد. به نظر آنها قواعد، تنها روندهایی از تصمیمات قبلی هستند که ممکن است با ضرورت‌های اجتماعی تطابق داشته باشند یا خیر. «قدرت الزام‌آور» قواعد یک تصور حقوقی است، استانداردها کمابیش مؤثرند اما این تأثیر و توانایی آنها در تقویت اهداف اجتماعی است که اهمیت دارد و نه اعتبار شکلی آنها.^{۷۰} در این دیدگاه حقوق بین‌الملل اینگونه تعریف می‌شود:

«جریانی از تصمیمات که در آن تجویزهای جامعه‌ای^{۷۱} تدوین و در واقع اعمال می‌شوند»^{۷۲}

در مقام مقایسه، اگر حقوق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد، مستلزم اعمال قواعد نامناسب و تاریخ گذشته باشد، حقوق به عنوان فرآیند، تفسیر و گزینه‌هایی را تشویق می‌کند که با ارزش‌های مورد نظر ما سازگارترند. حقوقدان معتقد به دیدگاه نخست در مورد خلاها^{۷۳} یعنی مسائلی که هیچ قاعده حقوق بین‌الملل خاصی در مورد آنها وجود ندارد صرفاً اظهار می‌کند که حقوق بین‌الملل در خصوص آن مسأله با خلا مواجه است اما حقوقدان معتقد به رویکرد دوم بر این باور است که

69. Rosalyn Higgins, *op. cit.*, pp. 2-3.

70. Martti Koskenniemi, "The Politics of International Law", pp. 10-11.

71. Community Prescriptions

72. Martti Koskenniemi, *From Apology to Utopia*, pp. 202-203.

73. Lacunae

به‌رغم فقدان یک قاعده خاص قابل اعمال، ابزارهایی برای تصمیم‌سازی راجع به یک مشکل (با استفاده از قیاس، با تحلیل دیگر نتایج) وجود دارد. نتیجه دیگر پذیرش رویکرد دوم آن است که ما با مسائل گوناگونی همچون ادعاها و ادعاهای متقابل، رویه دولتی، تصمیمات تصمیم‌گیرندگان مجاز علاقمند می‌شویم و تمامی این عوامل با هم چارچوب حقوق بین‌الملل را می‌سازند.^{۷۴}

توصیف ساده عبارات غامض نویسندگان فوق‌الذکر را شاید بتوان اینگونه بیان کرد. رویکرد نخستین که صرفاً بر قاعده تأکید دارد، دیگر به کار آمدی یا ناکارایی آن قاعده توجهی ندارد و صرفاً به دنبال نهادین کردن^{۷۵} روابط دولت‌ها از مجرای قواعد است اما رویکرد دوم، حقوق را فرآیندی از تصمیماتی می‌داند که با توجه به تحولات زمان اتخاذ می‌شوند به گونه‌ای که هر تصمیم خود عنصری از این فرآیند است، تصمیمی که مبتنی بر زمان اتخاذ می‌شود و ممکن است قواعد موجود را کنار زند. از نظر مبنا، ریشه و تفاوت‌های این دو رویکرد از همان تفاوت‌های اساسی میان دو نظام حقوقی نوشته و کامن‌لو نشأت می‌گیرند، جایگاه رفیع رویه قضایی در کشورهای تابع نظام حقوق کامن‌لو حاکی از توجه به سیر تصمیماتی است که از سوی مراجع صالح و متناسب با زمان اتخاذ شده‌اند. این سنت در نگرش این قبیل کشورها نسبت به حقوق بین‌الملل نیز تأثیر گذارده همچنان که سردمدار این رویکرد نیز از کشورهای تابع این نظام حقوقی است. رویکرد نخست حقوق بین‌الملل مبتنی بر نهاد^{۷۶} و رویکرد دوم حقوق بین‌الملل مبتنی بر رابطه^{۷۷} را ترویج می‌کند.

پیشتر گفته شد که در روش فراحقوقی، حقوق بین‌الملل همچون بخشی از یک مجموعه وسیع‌تر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و تحلیل حاصل از این روش به دنبال آن است که نشان دهد چرا حقوق بین‌الملل در ظرف زمان دارای اعتبار است. در بحث حاضر نیز مشکل رعایت یا عدم رعایت قاعده منع گسترش نیست بلکه مشکل اساسی ناشی از اختلاط حقوق بین‌الملل مبتنی بر رابطه با حقوق بین‌الملل نهادین است. مسائل مربوط به کنترل و امحای تسلیحات هسته‌ای به طور اخص و مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی به طور اعم از مسائلی هستند که تا حد زیادی در چارچوب منطق قدرت حل و فصل می‌شوند و نه منطق همکاری. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی عده‌ای از دولت‌ها سعی کردند با انعقاد معاهده عدم گسترش و موافقتنامه‌های پادمان آژانس و مرتبط کردن آن با شورای امنیت با مسأله مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای به صورت نهادین برخورد کنند. غافل از آنکه چون مسأله عدم گسترش یکی از مسائل مربوط به حفظ

74. Rosalyn Higgins, *op. cit.*, p. 10.

75. Institutionalization

76. Institutional International Law

77. Relational International Law

صلح و امنیت بین‌المللی است و در چنین مسائلی نیز پنج قدرت عضو دائم شورای امنیت مطرحند، در آنجایی نیز که باید طبق قواعد نهاد عمل شود این چند دولت هستند که تخطی یا عدم تخطی از قاعده منع گسترش را تشخیص می‌دهند و این اختلاط میان حقوق بین‌الملل نهادین و حقوق بین‌الملل مبتنی بر رابطه موجب می‌شود که قاعده منع گسترش با توجه به منافع آنها و تفاسیر خاص آنها از امنیت، به قاعده گسترش قابل قبول و گسترش غیرقابل قبول تبدیل شود.

چنان که دیدیم در رویکرد دوم، حقوق بین‌الملل، فرآیند مستمری از تصمیمات معتبر است و تصمیمات معتبری که از سوی اشخاص یا ارگان‌های مجاز در مراجع صالح اتخاذ می‌شوند تنها در صورتی ذیربطند که به گونه‌ای مستحکم بر سیاق اجتماعی سیاست بین‌المللی مبتنی باشند. توضیح آنکه در بحث ما اقداماتی توسط یکی از اعضای دائم شورای امنیت یعنی شخص مجاز در حال انجام است که دقیقاً بر سیاق اجتماعی سیاست بین‌الملل مبتنی است زیرا محیط هسته‌ای بین‌المللی به عنوان یکی از عناصر آن سیاق تغییر یافته است. برخی شواهد این تغییر عبارتند از:

الف) طرح بحث عدم اولویت ضرورت خلع سلاح هسته‌ای

ب) افزایش احتمال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به‌رغم فراگیری معاهده عدم گسترش

ج) تمرکز نگرانی از گسترش روی تعدادی از دولت‌ها در خاورمیانه، شرق و جنوب آسیا^{۷۸}

د) ظهور نوعی رنسانس هسته‌ای^{۷۹}

ه) ظهور بازیگران غیردولتی در عرصه مبادلات هسته‌ای

و) تروریسم هسته‌ای^{۸۰}

در چنین فضایی رویکرد حقوق به عنوان فرآیند این امکان را فراهم می‌سازد که فراتر از و بدون توجه به الزامات نهادین، تصمیمات و اقداماتی اتخاذ شوند که بتواند فوراً جوابگوی مشکلات دنیای امروز باشند. واضح است که در بحث حاضر، تحصیل فناوری‌ها و توانمندی‌های هسته‌ای توسط عده‌ای از دولت‌های دگراندیشی که بر اعمال قواعد بین‌المللی ذیربط در این حوزه تأکید می‌کنند از

78. John Simpson, *op. cit.*, pp. 6-7.

۷۹. شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی عدم گسترش مؤسسه کارنگی در ژوئن ۲۰۰۷ به این عامل به عنوان یکی از سه چالش اصلی نظام عدم گسترش اشاره کرده بودند. سخنرانان و شرکت کنندگان در این اجلاس بالغ بر ۸۰۰ نفر شامل کارشناسان، روزنامه نگاران و مسؤولان دولتی بودند. منظور آنها از رنسانس هسته‌ای تمایل رو به رشدی در دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای برای ایجاد قابلیت‌های هسته‌ای غیرنظامی است. در این خصوص، نک:

2007 Carnegie International Non-Proliferation Conference, top ten result.

۸۰ البته آنها به اینکه چه سیاست‌ها و رفتارهایی موجب تغییر محیط هسته‌ای شده‌اند و اینکه آیا خود در آن نقش داشته‌اند یا خیر اشاره نمی‌کنند.

جانب قائلین به این رویکرد، مسأله و مشکل تلقی شده و باید با تصمیمات فوری برای آن چاره‌اندیشی کرد اما به اینکه این تصمیمات و اقدامات در بلند مدت چه آثار مخرب‌تری بر رژیم موجود دارند توجه نمی‌شود. بدین ترتیب تلاش‌ها و نگرانی‌های مربوط به عدم گسترش هسته‌ای تابع استانداردهای متغیر و ملاحظات داخلی محدود سیاسی و موقت می‌شوند و بر خلاف گذشته که قرار بود این معیار مبنا قرار گیرد که هیچ دولت دارای سلاح هسته‌ای دیگری نباید وجود داشته باشد و دولت‌های هسته‌ای موجود نیز باید خلع سلاح شوند^{۸۱} باید این سخن گفته شود که چه کشورهایی می‌توانند دارای این سلاح‌ها باشند و چه کشورهایی از این امکان برخوردار نیستند و در واقع گسترش خوب و گسترش بد، ترویج شود.

همچنان که در فوق آمد به زعم پیروان رویکرد حقوق به عنوان فرآیند، رویکرد حقوق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد به کارآمدی یا ناکارآمدی یک قاعده حقوقی توجهی ندارد. در موضوع مورد بحث ما سؤالاتی مطرح می‌شود از قبیل اینکه آیا معاهده عدم گسترش واقعاً کارآمد نبوده است. به فرض پذیرش ادعای ناکارآمدی این معاهده، چه موجباتی مسبب این وضعیت شده‌اند؟ آیا خود عدم اجرای کامل معاهده را نمی‌توان یکی از این اسباب و موجبات دانست؟ به نظر می‌آید در چارچوب این رویکرد نیز کارآمدی یا ناکارآمدی معاهده از نقطه نظر منافع خاص برخی دولت‌ها تعیین می‌شود و نه منافع جمعی به معنای حقیقی کلمه. دیدیم که رویکرد دوم حقوق را فرآیندی از تصمیمات معتبری می‌دانست که با توجه به تحولات زمان اتخاذ می‌شوند. به نظر می‌رسد اتخاذ چنین رویکردی به‌ویژه در عرصه داخلی، نه تنها مطلوب بلکه ضروری است زیرا که حقوق را با تحولات و ضروریات اجتماعی همگام می‌سازد اما در عرصه بین‌المللی که هیچ مرجع و نهاد مافوق دولت‌ها وجود ندارد و مرجع تشخیص این ضروریات خود دولت‌ها هستند آیا پذیرش چنین رویکردی موجب نمی‌شود اراده برخی دولت‌ها در تعیین این ضروریات بر دیگران تحمیل شود. در این رویکرد، قاضی بین‌المللی یا هر شخص دیگری که قرار است بر مبنای حقوق بین‌الملل اتخاذ تصمیم کند صرفاً نباید به قواعد موجود اکتفا کند، چه اینکه تعیین حقوق موجود تنها بخشی از وظیفه اوست و او در یافتن حقوق قابل اعمال باید به سیاق اجتماعی قاعده نیز توجه کند و حتی در صورتی که لازم بداند قاعده موجود را کنار گذارد.

در بحث حاضر، اختلاف از تفسیر و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ نشأت می‌گیرد، معاهده‌ای که در فراگیری تنها همتایانی نظیر منشور ملل متحد و کنوانسیون‌های

81. Nabil Fahmy, "An Assessment of International Nuclear Non-Proliferation Efforts after 60 Years", *Non-Proliferation Review*, Vol. 13, No. 1, March 2006, p. 83.

چهارگانه ژنو را دارد و به تعبیری بیانگر وجدان عمومی جامعه دولت‌هاست. به‌رغم تمامی انتقاداتی که از جهات مختلف بر این معاهده وارد است می‌توان گفت که در مجموع این معاهده منافع تمامی اعضای خود چه دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای و چه دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای را تأمین کرده است. اما مسأله این است که دولت‌های دسته نخست نه تنها به تعهدات خود به خلع سلاح و کمک به دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای در بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای در فعالیت‌های صلح‌آمیز عمل نکرده‌اند^{۸۲} بلکه برعکس به مدرن‌سازی زرادخانه‌های هسته‌ای خویش پرداخته و با وضع مقررات کنترلی سخت‌گیرانه مانع از دسترسی مستقیم دولت‌های غیرهسته‌ای به تکنولوژی‌ها و مواد هسته‌ای مورد نیاز شده‌اند و در واقع عملاً این کشورها را به بازار سیاه این فناوری‌ها و مواد هدایت می‌کنند، بازاری که بی‌اشارت دولت‌های هسته‌ای امکان تداوم حیات آن ممکن نیست. در عالم حقوق، حق و تکلیف با هم ملازمه دارند و در ازای هر تکلیفی، حقی قابل مطالبه است. دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای که تعهد خویش به عدم تعقیب ساخت سلاح‌های هسته‌ای را رعایت کرده‌اند انتظار دارند که از حقوق خویش به موجب معاهده بهره‌مند شده و دیگر طرف‌های معاهده (دولت‌های هسته‌ای) نیز تعهدات خود را عملی کنند. آنها مکرراً در کنفرانس‌های مختلف از جمله در تمامی کنفرانس‌های بازنگری معاهده و سایر مجامعی که کشورهای در حال توسعه در آن حضور دارند بر حق خویش تأکید کرده‌اند. واضح است که این کشورها معتقد به دیدگاه حقوق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد باشند زیرا منافع آنها را بهتر تأمین می‌کند. در مقابل بدیهی است دولت‌های هسته‌ای که در انجام تعهدات خویش قصور کرده‌اند و اعمال تمامی مقررات معاهده را تضمین‌کننده منافع خویش نمی‌یابند معتقد به دیدگاه حقوق به عنوان فرآیند باشند، چه در این دیدگاه حقوق تابع ذهن است و در آن اراده دولت اهمیت دارد و بر رابطه اعمال می‌شود برخلاف دیدگاه نخست که در آن حقوق تابع عین است و در آن عقل [ارزش] اهمیت دارد.^{۸۳} در این دیدگاه از حقوق، اراده بر ارزش اولویت دارد و چون اراده متغیر و زمان محور اما ارزش ثابت است و از آنجایی که حقوق بنا به تعریف، فرآیندی از تصمیمات معتبر است به میزان دفعات ابراز اراده، حقوق متحول می‌شود. اینگونه است که زحمات چندین قرن علمای علم حقوق برای تفکیک میان

۸۲ این دسته از دولت‌ها با اشاره به کارهای مقدماتی معاهده معتقدند که آنها برای کمک به دولت‌های غیرهسته‌ای در استفاده‌های صلح‌آمیز تعهدی حقوقی ندارند.

۸۳ تقریرات درس تحقیق در متون و اسناد بین‌المللی، استاد دکتر هدایت‌الله فلسفی، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول ۱۳۸۵-۸۶.

حقوق به عنوان چارچوب‌های عینی از پیش موجود که معین‌کننده جهت تصمیم هستند و خود تصمیم که باید در آن چارچوب اتخاذ شود بر باد می‌رود چه در این دیدگاه، تصمیم، خود خالق حقوق است نه مخلوق آن.

هر دو دیدگاه به دنبال تأمین منافع و تحقق ارزش‌های جمعی هستند. دیدگاه نخست به دنبال منافع جامعه بین‌المللی در کل است اما دیدگاه دوم اگرچه مدعی پیگیری منافع جامعه بین‌المللی است اما در واقع منافع خاص گروهی از دولت‌ها را تعقیب می‌کند و از همین روست که منظور آن از جامعه در عبارت «تجویزهای جامعه‌ای» در تعریف حقوق بین‌الملل، جامعه خاصی از دولت‌هاست (قدرت‌های هسته‌ای) و نه کل دولت‌ها.

بدین ترتیب عجیب نیست که از تعهد به پیشگیری از گسترش یا ضروری نبودن انجام غنی‌سازی و داشتن تجهیزات مربوطه به آن برای تمامی دولت‌ها سخن گفته شود. عجیب نیست که اگر به اعمال استانداردهای دوگانه افتخار شود و عجیب نیست اگر در برابر فعالیت‌های مخفی هسته‌ای و ناقض پادمان‌های آژانس توسط دولت‌ها واکنش‌های متفاوتی صورت گیرد چه اینها همه از اقتضات حقوق بین‌الملل مبتنی بر روابط است.

در بحث ما، رویکرد حاضر توالی فاسد متعددی دارد از جمله اینکه موجب نقض معاهده ۱۹۶۸ و تغییر عملی هنجارهای مندرج در آن می‌شود، مسابقه تسلیحاتی را تشویق و چندجانبه‌گرایی را تضعیف می‌کند و اینگونه این تلقی را برای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای ایجاد می‌کند که الحاق به معاهداتی همچون معاهده عدم گسترش دیگر ضامن منافع آنها نیست و از همین روست که دبیرکل سابق ملل متحد آقای کوفی عنان در گزارش هیأت عالی‌رتبه تحت عنوان «به سمت جهانی امن‌تر: تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات» اظهار داشت ما به نقطه‌ای نزدیک می‌شویم که از میان رفتن رژیم عدم گسترش برگشت‌ناپذیر شده و موج جدیدی از گسترش را باید به انتظار نشست زیرا که به قول مدیرکل آژانس، تداوم رژیم داراها و ندارها دیگر ممکن نیست.^{۸۴}

نتیجه

مبنای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ که بر سه ستون عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق بر کاربردهای صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و خلع سلاح استوار شد متزلزل شده است. به موجب آن معاهده هرگونه گسترش سلاح‌های هسته‌ای منع شد و قرار شد سلاح‌های موجود نیز تخریب شوند و به دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای که حاضر شدند از تعقیب برنامه‌های

84. Daryl J. Kimbal, *op. cit.*, pp.2-5.

هسته‌ای نظامی خودداری کنند وعده داده شد در استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز مساعدت خواهد شد. از این سه هدف، تنها هدف نخستین تا حد زیادی محقق شد و دو هدف دیگر تحقق عینی نیافتند زیرا که یکی تعهد به مذاکره تفسیر شد و دیگری قول کمک نه تعهد به کمک. هدف اخیر به‌ویژه با موانع جهانی و ملی همچون گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و رژیم‌های کنترل صادرات ملی روبرو شد. بدین ترتیب بهره‌مندان اصلی معاهده سال ۱۹۶۸ که در سال ۱۹۹۵ به صورت نامحدود تمدید شد تنها دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند. به‌رغم این وضعیت، دولت‌های اخیر به این هم اکتفا نکرده و به اقداماتی دست زده‌اند که نتیجه آن چیزی جز تفکیک میان دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای و طرح مفهوم دولت‌های هسته‌ای غیربالم و بالغ نیست. گو اینکه تنها دولت‌های اخیر حق بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را دارند، همچنان که واکنش به نقض واحد تعهدات ناشی از معاهده از سوی دولت‌های متخلف نیز متفاوت خواهد بود. این رفتارها با توسل به آن دسته رویکردهای نوین به حقوق بین‌الملل که حقوق رأیک فرآیند می‌دانند چندان عجیب و غیرمنطقی نیست. فرآیندی که طی آن تصمیمات دولت یا گروه خاصی از دولت‌ها که بر مبنای منافع آنی اتخاذ می‌شوند خود، حقوق قلمداد می‌گردد و اگر آن منافع ایجاب کند اقدام به گسترش از سوی یک دولت واکنشی را برنمی‌انگیزد اما به اقدامات دولت دیگری در حیطه مسائل هسته‌ای هرچند محدود هم باشد شدیداً واکنش نشان داده می‌شود و اینگونه قاعده عدم گسترش دیروز به قاعده گسترش قابل قبول و گسترش غیرقابل قبول امروز تحول می‌یابد.

فهرست منابع

۱. بیگزاده، ابراهیم، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶.
۲. *تقریرات درس تحقیق در متون و اسناد بین‌المللی*، استاد دکتر هدایت‌الله فلسفی، دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول ۸۶-۱۳۸۵.
۳. دریایی، محمد حسن، «استفاده‌های صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷.
۴. ساعد، نادر، «ارزیابی ابتکار امنیت در برابر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (پی.اس.آی) در پرتو موازین حقوق بین‌الملل»، *راهبرد*، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۷.
۵. سالمی، فرزانه، «سلاخی رژیم منع گسترش»، *خبرگزاری آفتاب*، سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۸۴، به نشانی

۶. فلسفی، هدایت‌الله، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (مرکز امور حقوقی بین‌المللی فعلی) شماره ۱۹-۱۸.
۷. فلسفی، هدایت‌الله، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، نشر فرهنگ نو، ۱۳۷۹، چاپ اول.
۸. قطعه‌نامه ۲۵ آوریل ۲۰۰۷ کمیسیون خلع سلاح تحت عنوان «توصیه‌هایی برای حصول به خلع سلاح عینی و مشخص و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای A/CN.10/2007/WG/WP.4
۹. قطعه‌نامه شماره ۲۰۲۸ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی.
10. 1968 *Yearbook of the United Nations*.
11. Bajema, Natasha and Mary Beth Nikitin, *The Future of International Regimes: Organization and Practices: Assessing Nuclear Maturity, Determining which states should have Access to what Nuclear Technology*, 28 Fletcher F. World Affair. 157, Summer 2004.
12. Fahmy, Nabil, "An Assessment of International Nuclear Non-Proliferation Efforts after 60 Years", *Non-Proliferation Review*, Vol. 13, No. 1, March 2006.
13. Higgins, Rosalyn, *Problem and Process, International Law and How We Use It*, Clarendon Press, 1995.
14. http://rawstory.com/news/afp/U.S_No_objection_to_Egyptian_Nuclear_10292007.htm.
15. <http://www.cdi.org/friendlyversion/printversion.cfm?documentID=2449>, last visited: 2007/12/4.
16. <http://www.fas.org/nuke/guide/brazil/nuke/index.htm>, last visited 5/12/2007
17. <http://www.Iranmania.com/news/Articleview/viewprintable/article.asp>, last visited 5/12/2007.
18. <http://www.turks.us/article.php?story=20071029203422841>.
19. <http://www.wisconsinproject.org/Countries/brazil/nuke-miles2004.html>
20. Kimbal, Daryl J., "Addressing Nuclear Proliferation Challenge: Cooperation is not Capitulation", *Foreign Policy in Focus*, www.fpiif.org, January 2006.
21. Koskeniemi, Martti, *From Apology to Utopia, The Structure of International Legal Argument, reissue with new epilogue*, Cambridge University Press, 2005.
22. Koskeniemi, Martti, "The Politics of International Law", *European Journal of International Law*, Vol. 1, No. 1/2, 1990.
23. Kusumi, Ryoko, "Recent Development in the Non-Proliferation of Nuclear Weapons", *ISYP Journal of Science and World Affairs*, Vol. 1, No. 2, 2005.
24. Meir, Oliver, "The U.S.- India Nuclear Deal: The End of Universal Non-Proliferation Effort?", 4 *IPG/2006*.
25. Muell, Peter, "Brazil follows Iran's Nuclear Path but without the fuss", <http://informationclearinghouse.info/article/12797.htm>, 5/12/2007.
26. Pinkston, Daniel A., "South Korea Nuclear Experiments", at: <http://cns.miis.edu/pubs/week/041109.htm>.
27. Sauer, Tom, "A New Nuclear Order: The Need for Introspection in U.S. Non-Proliferation Policy", *Strategic Insight*, Vol. III, Issue 5, May 2004.
28. Simpson, John, "The Nuclear Non-Proliferation: Back to the Future?", *Disarmament Forum*, 2004, No. 1.
29. Wable, Kesav Murthy, "The U.S. India Strategic Nuclear Partnership: A Debilitating Blow to the Non-Proliferation Regime", *Brooklyne Journal of International Law*, Vol. 33, No. 2, 2008.
30. Winters, Raven, "Preventing Repeat Offenders: North Korea's Withdrawal and the Need for Revision to the Nuclear Non-proliferation Treaty", 38 *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, November 2005.
31. Wiseman, Steven R., "Warming to Brazil, Powell says its nuclear program is not a concern", *New York Times*, 6 October 2004.
32. Xinjun, Zhang, The Riddle of "In alienable Right" in Article IV of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons: International ambiguity", *Chinese Journal of International Law*, 2006, Vol. 5, No. 3.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of “Combatant” in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study